

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

Effects of Securing Women's Rights in Islam and International Human Rights Instruments

1. Ensiyeh Moazani: PhD Student, Department of Law, Qe.C., Islamic Azad University, Qeshm, Iran
2. Maryam Moradi*: Assistant Professor, Department of Law and International Relations, Qe.C., Islamic Azad University, Qeshm, Iran. Email: Moradimaryam@Yahoo.Com (Corresponding Author)
3. Soheil Soheili Najafabadi: Assistant Professor, Department of Law and International Relations, Qe.C., Islamic Azad University, Qeshm, Iran

ABSTRACT

Women, as half of society, occupy a special and significant position. Accordingly, in national and international legal and jurisprudential discourse, laws have been enacted concerning their status, obligating states to implement them. The aim of this descriptive–analytical research is to examine the effects of securing women's rights in Islam and international human rights instruments. The method of data collection was library-based, and the required tool was note-taking. The findings revealed that both Islam and international human rights instruments have established regulations for securing women's rights. Although these laws have been enforced, there still remain limitations and deficiencies regarding women's rights, including gender discrimination, employment restrictions, inheritance, blood money (diyah), and other issues. To prevent such limitations, national and international laws with legal gaps must be amended, and the opinions of Islamic jurists should be considered in this regard. Furthermore, steps should be taken toward adopting newer and more precise legislation concerning the realization of women's rights. By recognizing the qualifications and abilities of women in various political, cultural, social, and economic spheres, it can be expected that a country will achieve sustainable development. Historically, women have proven their capabilities; today, their presence in economic markets, the cabinet, the Islamic Consultative Assembly (Parliament), and their roles in the educational system and within families demonstrate women's competence across diverse fields.

Keywords: *Women's rights in Islam; women's rights in international instruments; human rights; enforcement mechanisms*

How to cite: Moazani, E., Moradi, M., & Soheili Najafabadi, S. (2026). Effects of Securing Women's Rights in Islam and International Human Rights Instruments. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 8(1), 1-14.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 30 June 2025
Revise Date: 16 September 2025
Accept Date: 27 September 2025
Initial Publish: 07 October 2025
Final Publish: 22 May 2026



پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

آثار احقاق حقوق زنان در اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر

۱. انیسه موذنی: دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران
۲. مریم مرادی*: استادیار، گروه حقوق و روابط بین‌الملل، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. پست الکترونیک: Moradimaryam@Yahoo.Com (نویسنده مسئول)
۳. سهیل سهیلی نجف‌آبادی: استادیار، گروه حقوق و روابط بین‌الملل، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

چکیده

زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. به طوری که در مباحث فقهی و حقوقی ملی و بین‌المللی نسبت به آن‌ها قوانینی مصوب شده است و دولت‌ها را ملزم به اجرای آن کرده است. هدف پژوهش توصیفی-تحلیلی حاضر بررسی آثار احقاق حقوق زنان در اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و ابزار موردنیاز فیش‌برداری بود. نتایج نشان داد که در اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر قوانینی را برای احقاق حقوق زنان مصوب کرده‌اند. هرچند این قوانین اجرا شده است، اما بازهم محدودیت‌ها و کاستی‌هایی در خصوص حقوق زنان از جمله تبعیض جنسیت، محدودیت‌های اشتغال، ارث، دیه و... وجود دارد. برای جلوگیری از این محدودیت‌ها باید قوانین گذشته ملی و بین‌المللی که دارای خلاءهای قانونی است اصلاح گردد و بیانات فقہیان در این زمینه مورد توجه قرار گیرد. همچنین با تصویب قوانین جدیدتر و دقیق‌تر در خصوص احقاق حقوق زنان قدم برداشت. اگر به شایستگی‌ها و توانایی‌های زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی توجه شود، می‌توان انتظار داشت که کشور به توسعه پایدار می‌رسد. زنان از دیرباز توانایی‌های خود را به همگان به اثبات رسانده‌اند، به طوری امروزه حضور زنان در بازارهای اقتصادی، کابینه دولت، مجلس شورای اسلامی، نقش آن‌ها در آموزش کشور و خانواده نشان‌دهنده شایستگی‌های زنان در عرصه‌های مختلف می‌باشد.

واژگان کلیدی: حقوق زن در اسلام، حقوق زن در اسناد بین‌المللی، حقوق بشر، ضمانت‌اجراها

نحوه استناددهی: موذنی، انیسه، مرادی، مریم، و سهیلی نجف‌آبادی، سهیل. (۱۴۰۵). جایگاه نهادهای ارفاقی در دادرسی اطفال و نوجوانان معارض قانون با تاکید بر رویه قضایی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۸(۱)، ۱۴-۱.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

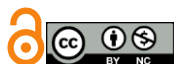
تاریخ ارسال: ۹ تیر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۵ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۵ مهر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۱۵ مهر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۱ خرداد ۱۴۰۵



از دیرباز تاکنون حقوق زنان و ارزشمندی آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... دستخوش تغییرات زیادی قرار گرفته است. در ادوار و ادیان مختلف تاریخ، زنان افرادی بی‌ارزش بودند و حقوقی در مقایسه با مردان برای آن‌ها قائل نبودند. اما در اسلام به حقوق زنان اهمیت ویژه‌ای داده شد و آن‌ها را افرادی مؤثر و مفید تلقی کرده است. هرچند زنان در ادوار مختلف تلاش‌هایی برای احقاق حقوق خود (اجتماعی، سیاسی و...) به عمل آورده‌اند، اما بازهم به حقوق واقعی خود نرسیدند. در دوران تاریخ همچون قاجار و پهلوی بازهم به زنان اهمیت زیادی داده نمی‌شد و با روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران حقوق زنان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. به طوری که در ۴۰ ساله انقلاب شاهد حضور زنان به عنوان کابینه دولت، شورای شهر اسلامی و مجلس شورای اسلامی و... بوده‌ایم و توانسته‌اند با دانش و تدابیر خود قوانینی را مصوب کنند.

هرچند این قوانین بیشتر به سمت حقوق بنیادین زنان بوده، اما در دیگر قوانین کشور هم مفید واقع شده‌اند. علاوه بر حقوق زنان که بعد از انقلاب گسترش و پیشرفت چشم‌گیری داشته، حقوق و اسناد بین‌المللی به حقوق زنان اهمیت ویژه‌ای داده است. کنوانسیون‌ها، میثاق‌ها و دیگر اسناد بین‌المللی به آزادی‌ها، حضور زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و هرگونه تبعیض علیه زنان پرداخته است و دیگر کشورهای عضو را ملزم به اجرای آن کرده است. به طور کلی اسناد بین‌المللی حقوق بشر به آزادی‌های اساسی، مساوات میان زنان و مردان و... پرداخته است.

موضوع حقوق زن در دو سده اخیر (قرن ۱۹ و ۲۰) به یک گفتمان بسیار جدی در عرصه‌های فلسفه جامعه‌شناسی، سیاست و اقتصاد تبدیل شده است و در قیاس با دوره‌های قبل، تدریجاً شاهد ظهور تغییراتی در میزان و نوع ایفای نقش‌های اجتماعی زنان در جامعه نیز هستیم. در دوره قبل از جنگ جهانی اول، شورای بین‌الملل زنان (ICW) با اهداف کسب حقوق اقتصادی، خانوادگی و سیاسی زنان به وجود آمد که در اغلب کشورهای اروپایی و آمریکا بخش‌های محلی آن فعالیت داشتند.

در سال ۱۹۰۴ دومین سازمان بین‌المللی زنان (IWA) در آمریکا تاسیس شد که بیشترین هدف آن، کسب حق رای برای زنان بود (Alavi et al., 2009). پس از جنگ جهانی دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) از جمله مصوباتی هستند که با استقبال چشمگیری در سطح جهان روبرو شده‌اند. هردو مورد به تساوی کامل حقوق زنان و مردان در کلیه حوزه‌های زندگی تاکید ورزیده و به تصویب کشورهای عضو سازمان ملل متحد (از جمله کشورهای اسلامی) رسانیده‌اند (Alavi et al., 2009).

در همین راستا در ماده ۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مقرر گردیده «کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تساوی حقوق مردان و زنان را در استفاده از کلیه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر در این میثاق تامین نمایند». همچنین در ماده ۳ کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان مصوب دسامبر ۱۹۷۹ مقرر گردیده «دولت عضو در تمام زمینه‌ها بالاخص زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کلیه اقدامات لازم از جمله وضع قوانین را به منظور رشد و پیشرفت کامل زنان به عمل می‌آورند تا اجرای حقوق بشر و بهره‌مندی آن‌ها از آزادی‌های اساسی بر مبنای مساوات با مردان تضمین گردید». علاوه بر اسناد بین‌المللی، قانون اساسی ایران در ماده ۲۰ مقرر داشته است که «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

با توجه به اینکه در اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر، به طور ویژه‌ای به حقوق زنان پرداخته‌اند و در تلاش بوده‌اند تا میان مردان و زنان تبعیض جنسیتی وجود نداشته باشد، اما بازهم در جامعه امروزه از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی میان مردان و زنان تفاوت‌هایی قائل شده‌اند و همین عامل محدودیت‌هایی در زمینه‌های اشتغال، سیاست، جایگاه اجتماعی و فرهنگی برای آن‌ها قائل شده است. از نظر اسناد بین‌المللی و اسلام هرگونه تبعیض علیه زنان را در حوزه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... مورد تایید نمی‌باشد، اما بازهم قوانین به صورت کامل اجرا نگردیده و حقوق زنان به عنوان یکی از مهم‌ترین موازین حقوق بشر، نقض گردیده است.

با توجه به قوانین بین‌المللی و اسلامی در خصوص زنان بازهم خلاءهای قانونی در راستای حقوق زنان وجود دارد که باعث می‌شود به حقوق واقعی خود دست نیابند. برای احقاق حقوق زنان باید قوانین دقیق‌تری مصوب و نظارت‌های بیشتری به عمل آید تا میزان مشارکت زنان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و... بیش از پیش گسترش یابد. اسلام و قوانین بین‌المللی فعلی به کلیات حقوق زنان پرداخته‌اند و همین عامل می‌تواند در تضييع حقوق زنان مؤثر واقع شود. با توجه به اهمیت موضوع تحقیق در این پژوهش در پی پاسخگویی به این سوال هستیم که حقوق زنان در اسلام و موازین حقوق بشر در اسناد بین‌المللی چه مولفه‌هایی را در بر می‌گیرد و قوانین موضوعه هرکدام چیست؟

از دیرباز تاکنون حقوق زنان و ارزشمندی آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... دستخوش تغییرات زیادی قرار گرفته است. در ادوار و ادیان مختلف تاریخ، زنان افرادی بی‌ارزش بودند و حقوقی در مقایسه با مردان برای آن‌ها قائل نبودند. اما در اسلام به حقوق زنان اهمیت ویژه‌ای داده شد و آن‌ها را افرادی مؤثر و مفید تلقی کرده است. هرچند زنان در ادوار مختلف تلاش‌هایی برای احقاق حقوق خود (اجتماعی، سیاسی و...) به عمل آورده‌اند، اما بازهم به حقوق واقعی خود نرسیدند. در ادوار تاریخ همچون قاجار و پهلوی بازهم به زنان اهمیت زیادی داده نمی‌شد و با روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران حقوق زنان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. به طوری که در ۴۰ ساله انقلاب شاهد حضور زنان به عنوان کابینه دولت، شورای شهر اسلامی و مجلس شورای اسلامی و... بوده‌ایم و توانسته‌اند با دانش و تدابیر خود قوانینی را مصوب کنند. علاوه بر حقوق زنان که بعد از انقلاب گسترش و پیشرفت چشم‌گیری داشته، حقوق و اسناد بین‌المللی به حقوق زنان اهمیت ویژه‌ای داده است. کنوانسیون‌ها، میثاق‌ها و دیگر اسناد بین‌المللی به آزادی‌ها، حضور زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و هرگونه تبعیض علیه زنان پرداخته است و دیگر کشورهای عضو را ملزم به اجرای آن کرده است. به طور کلی اسناد بین‌المللی حقوق بشر به آزادی‌های اساسی، مساوات میان زنان و مردان و... پرداخته است. پژوهش‌های بسیاری در این زمینه انجام شده است، اما بازهم خلاءهایی پژوهشی در این زمینه وجود دارد که در این مطالعه سعی بر آن است که این خلاءها پر شود و با بررسی دقیق‌تر و ارائه نتایج کامل‌تر به آثار احقاق حقوق زنان در اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر بپردازیم.

از این رو، اهداف پژوهش شامل موارد زیر می‌باشد:

۱. بررسی و تبیین قوانین و مقررات حقوق زنان در اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر و مقایسه آن با قوانین ایران
۲. بررسی و تبیین ساز و کارهای احقاق حقوق زنان در اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر و همچنین قوانین داخلی کشور
۳. بررسی و تبیین اثرات احقاق حقوق زنان در اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر در کشور

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف نظری و از نظر ماهیت توصیفی - تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و ابزار موردنیاز فیش‌برداری از مقالات، کتب، پایان‌نامه‌های و دیگر اسناد بین‌المللی خواهد بود.

مبانی نظری

زن در حقوق بشر

از آنجا که همواره توجه به موضوعات و پژوهش‌های علمی همراه با پدیده‌ها و نیازهای هر عصر بوده است، امروزه نیز توجه به مسایل زنان و مطالعات پیرامون آن‌ها و نیاز به پژوهش علمی در رابطه با آن به صورت یک امر ضروری ظاهر شده است. در این راستا توجه به حقوق زن، به عنوان بخشی از مطالعات زنان به دلیل اهمیت بنیادی که در وضعیت زنان در عرصه‌های گوناگون دارد قابل تتبع بیشتری می‌باشد. از طرفی حقوق زن در مقایسه با سایر نظام‌های حقوقی مربوط به افراد شکل خاص خود را نیز دارد و آن به دلیل تنوع جنبه‌های حقوقی مربوط به آن است، به طوری که در میان کلیه شاخه‌های علم حقوق برای خود جایگاه ویژه‌ای دارد، زیرا زنان علاوه بر اینکه نیمی از جمعیت هر جامعه را تشکیل می‌دهند، طیف وسیعی از اقشار گوناگون جامعه را نیز در بر می‌گیرند. بدین ترتیب حقوق زن ضمن اینکه از جنبه حقوق بین‌المللی و داخلی قابل بررسی است، به طور مستقیم و غیرمستقیم با تمام زمینه‌های حقوقی و به عبارتی با کل علم حقوق در ارتباط است (Berenjkar, 2017).

اسناد بین‌المللی حقوق بشر اعم از اسناد عام و اسناد ویژه طرفدار حقوق زنان، سعی در رفع نابرابری‌ها و تبعیضات شغلی زنان داشته و در تغییر بنیان‌های اجتماعی و قانونی تلاش نموده‌اند. کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، مجموعه منسجمی است از همه استانداردهای حقوق زنان و یکی از دستاوردهای مهم جامعه بین‌المللی که به بررسی ابعاد مختلف حقوق شغلی زنان پرداخته است. این کنوانسیون نظری ایده‌های فمینیستی نداشته و در واقع به موقعیت واقعی زنان در جوامع می‌پردازد و سعی در جهت رفع قوانین غیرمساعد به حال زنان و تبعیض‌آمیز از طریق تشویق کشورها به همراهی و الحاق به این کنوانسیون نموده است. آنچه در نهایت به ذهن خطور می‌کند، این است که تلاش‌های رفع تبعیض از زنان از جنبش‌های طرفدار زن گرفته تا اسناد حقوقی و اعلامیه‌های جهانی حامی حقوق بشر همه در پی یافتن راهی برای غلبه بر نابرابری بوده و هستند، اما چرا با وجود همه این حمایت‌های جهانی بازهم زنان قادر به رهایی از قفس آهنین چنین وضعیتی برای نیل به حقوق خود نیستند؟ (Berenjkar, 2017).

آثار احقاق حقوق زنان در عرصه‌های مختلف

نقش زنان در رشد اقتصادی

با توجه به اینکه مهم‌ترین عامل سرعت رشد و توسعه اقتصادی جامعه منابع انسانی آن جامعه است و هر جامعه نیز متشکل از زنان و مردان فعال است که تحت روابط متقابل اجتماعی تأثیر مستقیمی در اقتصاد و توسعه آن جامعه دارند، استراتژی‌های یک جامعه توسعه‌یافته لازم است بر مبنای مشارکت هرچه بیشتر و فعال‌تر زنان، که نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پی‌ریزی شود. بازار کار، مانند بسیاری از مسائل حوزه علوم انسانی، به دلیل ارتباط با انسان، پیچیدگی‌های فراوانی دارد. اگرچه در بحث عرصه نیروی کار زنان تفکیک دو جنس برای ورود به بازار کار، مسائل متفاوتی را دامن می‌زند (Asadzadeh et al., 2017).

زنان به عنوان عضو مؤثری از جامعه، می‌توانند نقش پیشگام خود را در مسئولیت‌های مختلف متبلور سازند. از جمله این مسئولیت‌ها توزیع مفهوم مشارکت و اشتغال در زندگی و زمینه‌سازی مناسب برای فعالیت آزادانه و شناساندن حق مدیریت اقتصادی، مالکیت و... است؛ که این همه نیازمند آن است که هزینه‌ها و آموزش‌های لازم برای زنان در نظر گرفته شود. با توجه به این نکته که مفهوم مشارکت زنان، الزاماً اشتغال زنان نیست، نگرچه قطعاً بخشی از مشارکت زنان در بخش اشتغال آنان تبلور می‌یابد، لیکن در این راستا اداره امور خانه و خانواده از سوی

زنان و نقش آن‌ها در تغذیه و رشد فرزندان و همچنین تعلیم و تربیت آن‌ها مسئولیت‌های متعددی است که زنان غالباً به عهده دارند. همچنین است انواع هنرهای خانگی که هریک مبنای صنایع بزرگ امروز به شمار می‌رود (Malekzadeh, 2008).

براساس داده‌های سازمان ملل متحد میزان فعالیت اقتصادی افراد بالای ۱۵ سال در کشورهای در حال توسعه چون ایران در سال ۲۰۱۱، برای زنان ۱۶ درصد و برای مردان ۷۳ درصد و در افغانستان ۱۶ درصد زنان و ۸۰ درصد مردان و در ترکیه ۲۸ درصد زنان و ۷۱ درصد مردان بوده است. این در حالی است که در سال مذکور در کشورهای توسعه یافته‌ای چون استرالیا ۵۹ درصد زنان و ۷۲ درصد مردان و در امریکا ۵۸ درصد زنان و ۷۰ درصد مردان در اقتصاد نقش داشته‌اند. در سال ۲۰۰۸ در ایران درصد کارکنان زن ۴۶.۸ و کارکنان مرد ۵۴.۴ درصد کارفرمایان زن ۰/۹ و کارفرمایان مرد ۵/۷ بوده است (Heidari, 2018).

نقش زنان در عرصه‌های سیاسی

افزایش نمایندگی زنان در مؤسسات و نهادهای تصمیم‌گیری دولتی، عاملی بسیار تعیین‌کننده برای توانمندسازی زنان است. در رابطه با ارتقای جایگاه زنان در عرصه‌ی مشارکت سیاسی، برگزاری انتخابات در کشورها به عنوان یک امر بسیار مهم قلمداد می‌شود. مشارکت و نقش زنان هم به عنوان رأی‌دهنده و هم به عنوان کاندیدای شرکت‌کننده در انتخابات، بسیار حایز اهمیت است. بنا بر آخرین اخبار ارائه شده در سال ۲۰۱۴، در حال حاضر میزان مشارکت زنان در قوه مجریه و برای حضور در مناصب وزارتی، بالغ بر ۱۷/۲ درصد است و این در حالی است که این میزان در سال ۲۰۰۸، حداکثر ۱۶/۱ درصد بود؛ همچنین تا اول ژوئیه ۲۰۱۴، در حدود ۳۶ کشور وجود داشت که بالغ بر ۳۰ درصد یا بیشتر، وزیر زن در آن اشتغال داشتند؛ این در حالی است که در سال ۲۰۱۲، این تعداد در حدود ۲۶ زن بود. علاوه بر کشورهای اروپای شمالی، در قاره‌های آمریکا و آفریقا، بیشترین تعداد وزیر زن در دولت‌ها وجود دارد. با این حال، این آمار در قاره آفریقا، از سال ۲۰۱۰، به ۲۰/۴ درصد رسیده است؛ همچنین کشورهای عربی، اروپا و اقیانوسیه، پیشرفت‌هایی در این زمینه داشته‌اند (Rafiei & Dabbaghi, 2014). در همین راستا می‌توان ادعان کرد که در دو دولت گذشته (دولت احمدی‌نژاد و روحانی) حضور زنان در وزارت و معاونین چشم‌گیر بوده است. در قوه مقننه زنان نیز در مجلس شورای اسلامی توانسته‌اند قوانین مطلوبی را در راستای احقاق حقوق زنان و... مصوب کنند. در نهایت زنان در قوه قضاییه نقش مؤثری داشته‌اند. به طوری که بسیاری از زنان در شورای حل اختلاف، دادگستری حضور فعالانه دارند. در نهایت می‌توان گفت که مشارکت سیاسی زنان از بعد از انقلاب رشد چشم‌گیری داشته است.

نقش زنان در عرصه‌های فرهنگی

با رشد و توسعه روزافزون جهان صنعتی و فراصنعتی و نیز با پایان دهه ۱۹۸۵-۱۹۷۶ میلادی که تحت عنوان «دهه بین‌المللی زن» نام گرفته بود، بخشی تحت عنوان زنان در توسعه در برنامه عمران سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۷ تأسیس شد. در گزارشی از شاخص‌های توسعه انسانی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۳ میلادی، میزان مشارکت زنان در بخش‌های مختلف از جمله شاخص‌های توسعه موردنظر واقع شده است (Ghadimi, 2001). یکی از دلایل مهم توجه به زنان در حوزه توسعه این است که سطح پایین باسوادی مردان نتیجه سرمایه‌گذاری اندک برای آموزش زنان در گذشته است. شاخص‌های آموزش زنان عبارتند از:

- میزان باسوادی (نرخ پایین سواد زنان در کشورهای در حال توسعه)

- ثبت‌نام در مدارس ابتدایی (نرخ پایین ثبت‌نام دختران در مقایسه با پسران)

- سال‌های تحصیل و میزان ترک تحصیل

کوتاهی در سرمایه‌گذاری برای آموزش زنان، می‌تواند به کاهش فوائد بالقوه آموزش مردان منجر گردد. همچنین این کاستی باعث تحمیل هزینه‌های سنگین، به دلیل از دست دادن توان افزایش بهره‌وری، درآمد و بهبود کیفیت زندگی می‌شود. با این حال آموزش زنان در کشورهای در حال توسعه هنوز در مقایسه با مردان بسیار عقب‌مانده‌تر است و همین امر آثار نامطلوبی در رفاه شخصی و ملی این کشورها گذاشته است (King & Hill, 1997).

تأثیر کلی آموزش زنان در شاخص‌های توسعه می‌تواند به تأثیرهای مستقیم و غیرمستقیم تقسیم گردد. آموزش، رابطه مستقیمی با رفاه اجتماعی دارد. آموزش زنان بر مرگ و میر کودکان مؤثر است. بدان جهت که یک مادر دانش‌آموخته به مراقبت‌های قبل و بعد از زایمان بهای بیشتری می‌دهد و گرایش بیشتری به بهره‌گیری از خدمات بهداشتی دارد، اما آموزش زنان، میزان زنده ماندن کودکان را به‌طور مستقیم هم‌افزایش می‌دهد؛ زیرا آنان در بازار کار تولید بالاتری دارند و در نتیجه، درآمد بیشتری به دست می‌آورند که وضعیت زندگی خانواده را بهبود می‌بخشد (King & Hill, 1997).

نقش زنان در عرصه‌های اجتماعی

در فرهنگ دینی شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد زنان مسلمان در عصر رسالت نبوی و پس از آن، در صحنه اجتماع حضور فعال داشتند و رسول‌الله و ائمه اطهار (ع) نه تنها ایشان را از انجام این کارها نهی نکردند، بلکه آن‌ها را تشویق نیز می‌نمودند و حضورشان را در این صحنه‌ها ستودند. نمونه‌های فراوانی از مشارکت زنان در انواع فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در تاریخ اسلام ثبت شده است. بیعت (قرآن کریم، ممتحنه، آیه ۱۲، هجرت (نساء، آیات ۹۷-۹۸)، امر به معروف و نهی از منکر (توبه، آیه ۷۱)، شرکت در مباحثه (آل عمران، آیه ۶۱) و تلاش‌ها و فعالیت‌های خواهر موسی (ع) برای رهایی وی (طه، آیه ۴۰) نمونه‌هایی از مشارکت زنان در قرآن می‌باشد. حضور نظامی زنان در حوزه‌های مختلف از تشویق به مبارزه (Kahala, 1982)، حراست و نگهبانی، پشتیبانی و تدارک جنگ و تداوی مجروحان (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۵۵۱)، تا مبارزه رودررو با دشمن (Al-Baladhuri, 1996) که در منابع دینی و تاریخی اسلام موجود است.

ضمانت اجرای حمایت از حقوق زنان

حمایت اجتماعی از زنان

زنان نیاز بیشتری به تأمین اجتماعی (نسبت به مردان) دارند؛ چون معمولاً قشر آسیب‌پذیر جامعه محسوب می‌شوند. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که پیش از اسلام، جامعه ایران از وجود مراکزی برای حفظ، نگهداری و حمایت از کودکان و زنان بی‌سرپرست تهی بوده است و خانواده ملی، بنا بر سنت دیرینه فرهنگی اعتقادی خود، از این افراد حمایت می‌کرد. پس از گسترش اسلام در ایران، براساس دیدگاه‌های مکتب و به ویژه قرآن نسبت به حمایت از محرومان و ناتوانان، تحولاتی مثبت در نگرش مردم پدید آمد. عمده‌ترین مشکلات زنان سرپرست خانوار را نداشتن سرپناه، نداشتن شغل مناسب و نبود تأمین اجتماعی است. مجلس باید در خصوص اشتغال زنان سرپرست خانوار و سایر کمک‌های اجتماعی آن‌ها اقدامات جدی‌تری انجام دهد. مشکلات اقتصادی که این قشر با آن روبرو هستند، موجب می‌شود این زنان زودتر از سایر زنان جامعه دچار افسردگی شوند. یکی از دلایل عمده فقر زنان در ایران فقدان تأمین اجتماعی فراگیر و کافی برای زنان سرپرست خانوار و دیگری فرصت‌های اجتماعی است که مردان در اختیار دارند و اشتغال برای زنان ایرانی محدود است، همین سبب شده است که اغلب زنان مخصوصاً زنان سرپرست خانوار در بخش خصوصی و غیررسمی از جمله از طریق انجمن‌های خیریه امرارمعاش کنند (Abdi, 2006).

در کشورهای در حال توسعه، سطح اشتغال زنان هنوز بسیار پایین‌تر از کشورهای توسعه یافته است. به علاوه وظایف خانه، تنها توسط زنان انجام می‌شود. زنان شاغل هم ساعات کاری بیشتری نسبت به مردان دارند بدون اینکه دستمزد بیشتری دریافت کنند (Rahmanzadeh, 2002).

هر اندازه دولت‌ها در این زمینه منظم، قاطع و کارآمد عمل کنند؛ نشانگر اقتدار آن‌ها و نمود توان اقتصادی و توجه به خواسته‌های همگان است. بر همین اساس اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «برخورداري از تامين اجتماعي از نظر بازنشستگي، بيكاري، پيري، از كار افتادگي، بي‌سرپرستي، در راه ماندگي، حوادث و سوانح و نياز به خدمات بهداشتي و درماني و مراقبت‌هاي پزشكي به صورت بيمه و غيره حقّي است همگاني. دولت موظف است طبق قوانين از محل درآمدهاي عمومي و درآمدهاي حاصل از مشاركت مردم، خدمات و حمايت‌هاي مالي فوق را براي يك‌يك افراد كشور تأمين كند» (Khorasani, 2014).

حمایت از اشتغال زنان در حقوق ایران و اسلام

قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز اشتغال زنان را با رعایت شرایطی به رسمیت شمرده است. در اصل ۲۸ قانون اساسی هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. این اصل با تعبیر «هرکس» حکم عامی را بیان نموده و بین زن (اعم از زوجه یا غیر آن) و مرد فرقی قایل نشده است. تعبیر «حقوق زن در تمام جهات» در اصل ۲۱ قانون اساسی عام است و یکی از مصادیق آن حق اشتغال است. همچنین در بند دوم و چهارم اصل ۴۳ قانون اساسی نیز با تعبیر «همه» بر حق تمام مردان و زنان در اشتغال تأکید شده است. لذا مطابق با قانون اساسی هیچ زن شاغلی را به صرف خدمت به دستگاه اداری از تسهیلات لازم جهت ایفای نقش مادری و همسری نمی‌توان منع نمود (Bagheri, 2004). ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی و ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۵۳) ضمن تصریح جواز اشتغال زنان، به زوج حق داده، از اشتغال زوجه در شرایطی جلوگیری نماید. در مبحث چهارم از فصل سوم قانون کار (مواد ۷۸-۷۵) راجع به ممنوعیت به‌کارگیری زنان در مشاغل سخت و زیان‌آور، مرخصی دوران بارداری و زایمان مقرراتی ذکر شده است. بدین ترتیب، حق اشتغال زوجه در قانون کار مسلم بوده و این قانون به حقوق زنان کارگر اشاره نموده است (Divandari & Pourabdollah, 2016).

ضمانت اجرایی سازمان ملل برای حمایت از حقوق زنان

الف) رسیدگی به مکاتبات حاوی ادعاهای نقض حقوق زنان

شخص یا گروهی از اشخاص و یا سازمان‌های غیردولتی مجازند موارد نقض حقوق بشر را از طریق مکاتبه به ارگان‌های ذی‌ربط سازمان ملل اطلاع دهند و از آن‌ها تقاضای رسیدگی به شکایتشان را کنند. سالانه هزاران شکایت‌نامه از سراسر دنیا به دبیرخانه حقوق بشر سازمان ملل می‌رسد. سازمان ملل نیز به مکاتبات دربرگیرنده ادعاهای نقض حقوق بشر رسیدگی می‌کند. کمیسیون حقوق بشر، از همان ابتدا و در اولین جلسه خود، در صدد برآمد تا رویه واحدی را برای رسیدگی به شکایت‌نامه‌ها برگزیند؛ رویه‌ای که آن زمان (یعنی سال ۱۹۴۷م) اتخاذ گردید، رفته‌رفته تکمیل شد. شورای اقتصادی و اجتماعی در سال ۱۹۵۹م تصمیم گرفت تا هر سال لیست محرمانه‌ای از مکاتبات مدعی نقض حقوق بشر را تنظیم و در کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون فرعی «جلوگیری از تبعیض علیه اقلیت‌ها و حمایت از آنها» توزیع نماید. جالب توجه اینکه هیچ‌گاه نام و مشخصات ارسال‌کنندگان نامه‌ها در این لیست ذکر نمی‌شود، مگر آن که خود آن‌ها نسبت به عدم افشای نام خود اعتراض داشته باشند. دولت‌هایی که این مکاتبات، آن‌ها را مورد اشاره و اعتراض قرار داده است، نسخه‌ای از آن را دریافت کرده و می‌توانند نظرات و پاسخ‌های خود را راجع به این ادعاها، به کمیسیون حقوق بشر یا کمیسیون فرعی آن ارسال کنند (Zohrevand, 1995).

علاوه بر این، شورای اقتصادی و اجتماعی در سال ۱۹۶۷م به کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون فرعی اجازه دارد تا اطلاعات مربوط به نقض فاحش حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را در تمامی کشورها مورد بررسی قرار دهند. شورا به کمیسیون این اختیار را تنفیذ کرد که موارد مقتضی، مطالعه‌ای همه‌جانبه از موارد وسیع و مستمر نقض حقوق بشر انجام دهد و سپس گزارشی را درباره این نقض‌ها، به همراه توصیه‌های مربوط به شورا ارایه دهد (Zohrevand, 1995).

ج) گزارش ویژه در مورد خشونت علیه زنان

کمیسیون حقوق بشر طی قطعنامه ۴۵-۱۹۹۴ که در مارس ۱۹۹۴ به تصویب رسید، تصمیم گرفت گزارش ویژه‌ای در مورد خشونت علیه زنان، عوامل و نتایج آن منصوب کند. مأموریت‌های گزارشگر ویژه عبارتند از:

الف) جستجوی و دریافت اطلاعات در مورد خشونت علیه زنان، عوامل و نتایج آن از دولت‌ها، ارکان معاهده‌ای، آژانس‌های تخصصی، سایر گزارشگران ویژه در مورد مسائل مختلف حقوق بشری و سازمان‌های دولتی و غیردولتی که از جمله شامل سازمان‌های زنان می‌شود و باید به نحوه مؤثری پاسخگو باشند؛

ب) اقدامات، شیوه‌ها و ابزار پیشنهادی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای محو خشونت علیه زنان و عوامل آن و جبران نتایج حاصل از خشونت؛

ج) همکاری نزدیک با دیگر گزارشگران ویژه، نمایندگان ویژه، گروه‌های کاری و کارشناسان مستقل شورای حقوق بشر و نهادهای معاهده‌ای، در نظر گرفتن اقدامات کمیسیون در راستای گزارشات که در مورد نقض حقوق بشر زنان ارائه می‌کند و همکاری نزدیک با کمیسیون مقام زن در راستای تحقق اهداف و وظایفش (Mousavi, 2016).

حمایت از حقوق زنان در معاهدات عام بین‌الملل

سازمان ملل متحد، سهمی قابل ملاحظه در جلب حمایت بین‌المللی از حقوق زنان داشته است. سازمان ملل متحد به عنوان مهم‌ترین سازمان بین‌المللی با توجه به برخورداری از صلاحیت‌های عام، از زمان تأسیس تاکنون، موضوع حمایت از حقوق زنان را ضمن اصول برابری و منع تبعیض مورد توجه قرار داده است. پس از امضای منشور ملل متحد که به عنوان اولین موافقت‌نامه بین‌المللی تساوی زن و مرد را اصل بنیادین حقوق بشر اعلام کرد، (بند سوم ماده ۱ منشور ملل متحد) سازمان ملل به خلق یک مجموعه میراث تاریخی مشتمل بر موافقت‌نامه‌ها، استراتژی‌ها، معیارها، برنامه‌های عمل و برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی برای پیشرفت زنان دست زده است. منشور ملل متحد حقوق مساوی زنان و مردان را تأیید کرد و اعلام نمود که فعالیت سازمان باید بدون تمایز میان جنس، زبان، نژاد و مذهب انجام شود؛ اما این کارها در عمل کافی نبود و نیست.

بنابراین ده‌ها سال مبارزه برای تحرک بخشیدن به واژگان منشور در زمینه حقوق زنان و کسب جایگاهی متقدم در دستور کار جهانی صورت گرفت و موضوع زنان در کنار فقر، بیکاری، رشد جمعیت، نقض حقوق بشر، تخریب محیط‌زیست و توسعه پایدار مورد توجه جهان قرار گرفت و نقش سازمان ملل متحد در رسیدگی به آن‌ها اهمیت یافت (Akhondan, 2016).

مطابق ماده ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو یا تحت صلاحیت خود بدون هیچ‌گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب، یا سایر وضعیت‌ها محترم شمرده و تضمین کنند. همچنین ماده ۳ مقرر می‌کند: «دولت‌های طرف این میثاق متعهد

می‌شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی شده در این میثاق تأمین کنند. مفاد این میثاق منبع اصلی شناسایی حقوق مدنی و سیاسی زنان است» (Akhondan, 2016).

نتیجه‌گیری

حقوق زنان در قوانین مختلف داخلی، بین‌المللی و همچنین حقوق اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی میان مردان و زنان تفاوتی وجود ندارد و طبق قوانین زنان می‌توانند از این حقوق بهره‌مند شوند. با توجه به بررسی‌های انجام شده در حقوق ایران و منابعی فقهی، موانع و چالش‌هایی برای زنان در عرصه‌های سیاسی همانند: حضور آن‌ها به عنوان کاندیدای ریاست‌جمهوری، کابینه دولت، قضاوت و حتی مجلس شورای اسلامی وجود دارد.

این موانع و قوانین موجب شده است تا زنان نتوانند از حقوق اساسی خود بهره‌مند شوند. البته نمی‌توان انکار کرد که در چندسال اخیر حضور زنان در عرصه‌های سیاسی بیش از پیش شده است. در مجلس شورای اسلامی شاهد آن هستیم که در مجلس دهم حضور زنان نسبت به ادوار گذشته بیشتر بوده و توانسته‌اند ۱۷ کرسی مجلس را از آن خود کنند. با توجه به حضور روزافزون زنان در عرصه‌های سیاسی بازهم خلاءهایی قانونی، اجتماعی و فرهنگی مبنی بر عدم حضور آن‌ها به چشم می‌خورد و همچنان عدم اعتماد افراد جامعه نسبت به زنان باعث شده است تا آن‌ها از عرصه‌های مهم سیاسی بهره‌مند نشوند.

در عرصه‌های اقتصادی نیز زنان از محرومیت‌ها و محدودیت‌های اشتغال برخوردارند. هرچند در قوانین بین‌المللی و داخلی به این امر پرداخته‌اند، اما بازهم چالش‌های اشتغال زنان به قوت خود باقی مانده است. به عنوان مثال ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر داشته که اشتغال حق مسلم افراد جامعه است و با اقدامات حمایتی دولت محقق می‌گردد. همچنین در همین راستا اصل ۲۸ قانون اساسی مقرر داشته است که دولت موظف است که شرایط مساوی میان زنان و مردان در زمینه اشتغال برای آن‌ها فراهم نماید. علاوه بر بحث اشتغال مواردی همچون مالکیت، ارث و دیه، نفقه و مهریه از جنبه‌های فقهی و حقوقی دارای اشکالاتی است. به‌عنوان مثال دیه یک زن نصف دیه یک مرد است یا حق ارث زنان نصف مردان می‌باشد که این عامل نشان‌دهنده تضييع حقوق مالی زنان می‌باشد. از نظر حقوق فرهنگی نیز زنان، از کاستی‌ها و محدودیت‌هایی برخوردارند. شاید بتوان مهم‌ترین بُعد از حقوق فرهنگی زنان را تبعیض میان مردان و زنان و حق آموزش آن‌ها برشمرد.

در قوانین داخلی و بین‌المللی و همچنین منابع فقهی تبعیض میان زنان و مردان را رد کرده و مقرر داشته است در ابعاد مختلف جامعه میان زنان و مردان تبعیضی وجود نداشته باشد. به عنوان نمونه می‌توان به آیات الهی در سوره آل‌عمران، آیه ۱۹۵، آیه ۴۰، سوره غافر، آیه ۹۷، سوره نحل و... اشاره کرد که در این آیات مساوی بودن زن و مرد مطرح کرده است. از نظر حقوق بین‌المللی نیز بند ۲ ماده ۲ میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و بند ۱ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به حقوق مساوی زنان و مردان پرداخته است. علاوه بر این بُعد از حقوق فرهنگی زنان می‌توان به حقوقی دیگر همچون حق بر شرکت جستن در حیات فرهنگی، حق بهره‌مندی از منافع پیشرفت علمی و کاربردهای مختلف آن، حق بر حمایت از منافع مادی و معنوی و... اشاره کرد، که در هریک از این ابعاد نیز می‌توان موانع فرهنگی زنان را مشاهده کرد. حقوق اجتماعی زنان هم در اسلام و قوانین داخلی و هم در قوانین بین‌المللی حقوق بشر مورد تأیید قرار گرفته است. با این توصیف می‌توان گفت که اسلام و اسناد بین‌المللی، دارای قوانین و موازین یکسان هستند و از حیث باهم هماهنگ هستند.

در قوانین مختلف اسلامی و حقوقی هدف بر بهبود حقوق اجتماعی بوده و سعی بر آن شده است تا زنان با پایبندی به آموزه‌های اسلامی در اجتماعات فعالیت داشته باشند. اعلامیه جهانی حقوق بشر در مواد ۲۲ و ۲۳ به حقوق اجتماعی پرداخته است و مقرر داشته که تمامی افراد از حقوق اجتماعی مساوی برخوردارند. از دیگر حقوق اجتماعی زنان می‌توان به حقوق اجتماعی زنان در ازدواج، حق انتخاب همسر، حق وکالت در طلاق، حق تأمین اجتماعی در اسناد بین‌المللی و حق حیات زنان در اسلام و منابع بین‌المللی اشاره کرد. در نهایت می‌توان اذعان کرد که زنان از حقوق اساسی مساوی به مردان برخوردارند و قوانین داخلی و خارجی و همچنین منابع فقهی در این خصوص مقرراتی داشته‌اند.

در عرصه‌های اقتصادی نیز زنان به خوبی خود را نشان داده‌اند. با کارآفرینی‌های مختلف، صادرات و واردات و ایجاد شغل برای افراد نشان دهنده آن است که زنان توانایی و تفکرات اقتصادی مطلوبی دارند. در عرصه فرهنگی نیز زنان نقش مؤثری در جامعه دارند. به این معنا که امروزه حدوداً نیمی از معلمان و معاونین مدارس و آموزش و پرورش زنان هستند که با دانش خود نسبت به ارتقاء سطح علمی دانش‌آموزان و دانشجویان قدم برداشته‌اند که این عامل نشان دهنده موفقیت زنان در عرصه فرهنگی است. در نهایت زنان در عرصه اجتماعی نیز موفق ظاهر شده‌اند. در این عرصه زنان به عنوان همسر خانواده یا مادر خانواده نقش مفیدی را در مدیریت خانواده و تربیت فرزندان به عمل می‌آورند که همین عامل نشان دهنده این است که زنان کشور به ویژه ایران توسعه اجتماعی در حوزه خانواده و دیگر حوزه‌ها را تحقق بخشیده‌اند. در نهایت می‌توان گفت که حضور زنان در عرصه‌های مختلف و کاهش محدودیت‌ها و اعتماد کردن به آن‌ها می‌تواند موجب توسعه پایدار کشور گردد. در پایان می‌توان نتیجه گرفت که اسناد بین‌المللی و قوانین اسلامی منطبق با یکدیگر هستند و در یک مسیر حرکت می‌کنند، اما قوانین داخلی کشور با اینکه قوانینی نیز در این خصوص تدوین کرده‌اند، اما در عمل شاهد عدم اجرای قوانینی و خلاف قوانین در کشور در خصوص زنان هستیم.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The question of women's rights has historically occupied a contested and dynamic position within both Islamic jurisprudence and international human rights discourse. Across centuries and civilizations, the social, political, economic, and cultural status of women shifted dramatically, with persistent inequalities often embedded in legal and customary systems. Prior to Islam, women were largely excluded from full civic participation and denied parity with men. The advent of Islam, however, introduced a significant paradigm shift by recognizing women as moral and social agents, granting them a set of fundamental entitlements within family and public life, and emphasizing their equal human dignity under divine law (Berenjkar, 2017). In modern times, these foundational recognitions have intersected with global movements for women's emancipation and the development of codified international protections. Landmark initiatives such as the establishment of the International Council of Women (ICW) in the late nineteenth century and the International

Woman Suffrage Alliance (IWA) in 1904 helped mobilize transnational advocacy networks (Alavi et al., 2009). Post-World War II frameworks, including the Universal Declaration of Human Rights (1948) and the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (CEDAW, 1979), expanded the normative consensus that men and women must enjoy equal rights in all spheres of life and bound member states—including Islamic nations—to implement nondiscriminatory laws (Alavi et al., 2009). Yet despite this convergence of Islamic principles and global standards, contemporary societies, including Iran, continue to grapple with legal loopholes, cultural barriers, and uneven enforcement that impede full gender equality.

From a legal and doctrinal perspective, the complexity of women's rights emerges from the layered interaction between religious law, national constitutions, and international treaties. Islamic law, while protecting key personal rights such as property ownership, inheritance, and contractual capacity, was historically interpreted through male-dominated juristic traditions that sometimes entrenched unequal applications (Bagheri, 2004). Over the past four decades, however, Iran's post-revolutionary constitutional framework has articulated significant protections, such as Article 20 guaranteeing equality under the law and Article 28 affirming the right of every person—including women—to employment free from unjust restrictions (Divandari & Pourabdollah, 2016). In parallel, global norms codified in instruments like the International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR) and the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR) explicitly obligate signatory states to ensure equal enjoyment of civil, political, economic, and cultural rights regardless of sex (Akhondan, 2016). These overlapping frameworks create a rich but contested legal terrain, where universal rights discourse and Islamic legal reasoning must be harmonized in practical governance. Critical scholarship emphasizes that the persistence of discriminatory practices often stems not from the absence of protective texts but from gaps in implementation, interpretive rigidity, and resistance to progressive *ijtihad*—independent legal reasoning to adapt Sharia to modern contexts (Berenjkar, 2017).

Economic empowerment represents one of the most visible and measurable outcomes of securing women's rights, with direct implications for development and social equity. Human capital is the principal driver of economic growth, and women constitute half of this potential resource base. However, gender gaps in labor participation remain stark: in many developing countries, including Iran and Afghanistan, female economic activity rates hover near 16 percent compared to more than 70 percent for men, whereas developed economies like Australia and the United States have achieved participation rates of 58–59 percent among women (Heidari, 2018). Barriers to employment range from restrictive workplace norms to legal provisions that allow male guardians or spouses to curtail female work opportunities (Bagheri, 2004). Scholars argue that addressing these inequities requires both cultural change and structural supports, such as safe working environments, training programs, and equal pay mechanisms (Asadzadeh et al., 2017). Beyond formal employment, women's unpaid contributions to household management, childrearing, and artisanal production form the backbone of informal economies, historically providing the basis for large-scale industries (Malekzadeh, 2008). Recognition and valuation of these contributions, along with policies to integrate women into modern economic networks, are vital steps toward sustainable growth.

Political participation is another core domain where legal reform and social acceptance intersect. Representation in decision-making institutions—from parliaments to executive cabinets—remains a crucial marker of empowerment. Global data indicate incremental but uneven progress: by 2014, women held about 17.2 percent of ministerial posts worldwide, with certain regions surpassing 30 percent, yet overall numbers remain far from parity (Rafiei & Dabbaghi, 2014). Iran has experienced

notable increases in female political engagement since the Islamic Revolution, with women securing seats in the Islamic Consultative Assembly and serving as vice presidents and ministers in successive administrations. These advances, however, coexist with significant obstacles, such as constitutional ambiguities regarding women's eligibility for the presidency and continuing societal skepticism toward female leadership (Rafiei & Dabbaghi, 2014). International legal frameworks support women's political agency by requiring state parties to eliminate barriers to candidacy, voting, and public service (Akhondan, 2016), yet translating such commitments into lived equality necessitates internal legal clarity and proactive institutional reforms.

Cultural and social development dimensions reinforce the broader human rights agenda by linking gender equity to education, health, and collective well-being. Historical underinvestment in girls' schooling has constrained the capacity of societies to fully harness female talent, perpetuating intergenerational cycles of poverty and low productivity (Ghadimi, 2001). Education exerts cascading effects: literate and educated women exhibit lower child mortality rates, better maternal health behaviors, and stronger economic performance, thereby raising household and national development indicators (King & Hill, 1997). In Islamic tradition, female participation in public life, including acts of social and political significance during the Prophet's era, demonstrates longstanding theological endorsement of women's agency (Al-Baladhuri, 1996; Kahala, 1982). Contemporary social policies should therefore align with both historical precedent and modern human rights standards to enhance literacy, leadership training, and cultural representation for women. Such initiatives contribute to dismantling structural discrimination and building inclusive national identities that respect both religious heritage and universal equality principles.

Protection mechanisms, both domestic and international, function as vital enforcement levers to bridge the gap between normative frameworks and practical realities. Nationally, social security provisions such as Article 29 of Iran's Constitution guarantee access to welfare, unemployment benefits, and healthcare, especially critical for female-headed households vulnerable to poverty and social exclusion (Abdi, 2006; Khorasani, 2014). Internationally, the United Nations has established complaint and monitoring systems to address human rights violations, including those affecting women (Zohrevand, 1995). These range from confidential communications procedures and thematic rapporteurs on violence against women (Mousavi, 2016) to binding treaty obligations that compel periodic state reporting and review. Although these mechanisms have raised awareness and provided recourse for victims, their effectiveness often depends on domestic political will and the capacity of local institutions to translate recommendations into law and practice (Rahmanzadeh, 2002). Strengthening these interfaces—through independent judiciary oversight, active civil society, and regional human rights bodies—remains a critical task in advancing women's rights.

In conclusion, the trajectory of women's rights at the intersection of Islam and international human rights reflects both significant achievements and persistent structural barriers. Foundational Islamic texts affirm women's moral agency and entitlements, and decades of international legal development have produced robust equality norms. Yet legal loopholes, restrictive cultural interpretations, and inconsistent enforcement continue to limit women's access to full economic participation, political leadership, education, social protection, and legal redress. Bridging these gaps requires deliberate harmonization of religious and international legal frameworks, sustained legislative reform, and societal investment in women's human capital. When women are fully empowered across all spheres, they not only claim their inherent dignity but also contribute to resilient families, thriving economies, and sustainable national development.

References

- Abdi, Z. (2006). Female-Headed Households in Need of Social Support. *Barnama (Program Journal)*(196), 18-20.
- Akhondan, E. (2016). Special Protections for Women in General International Treaties. *Quarterly Journal of Safeguarding Women's Rights Studies*, 1(3), 14-31.
- Al-Baladhuri, A. i. Y. (1996). *Ansab al-Ashraf* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Fikr.
- Alavi, S. N. a.-D., Mobalegh Jafari, S. Z., & Zia, S. A. (2009). *Woman, Sharia, Gender*. Kabul: Friedrich Ebert Foundation.
- Asadzadeh, A., Mirani, N., Qazikhani, F., Esmail-Darjani, N., & Honardoost, A. (2017). The Role of Women's Employment and Education in Iran's Economic Growth. *Women in Development and Politics*, 15(3), 359-381.
- Bagheri, S. (2004). *Women's Employment in Iran: An Introduction to the Factors Affecting Women's Employment in the Past Forty Years*. Tehran: Public Relations of the Cultural-Social Council of Women.
- Berenjkar, A. (2017). *A Comparative Study of the Evolution of Women's Rights from the Perspective of Islamic Jurisprudence in the Islamic Republic of Iran and International Treaties* Islamic Azad University, Behshahr Branch].
- Divandari, T., & Pourabdollah, K. (2016). Explaining the Desired Status of Employment with Emphasis on Cultural Aspects: Islamic-Iranian Model of Progress. Fifth Conference on Islamic-Iranian Model of Progress, Tehran: Islamic Republic of Iran National Library Conference Center.
- Ghadimi, A. (2001). *Woman, Participation, Development*. Tehran: Jahane Ejtemaei Publications.
- Heidari, F. (2018). The Role and Participation of Women in Sustainable Development. *Quarterly Journal of Safeguarding Women's Rights Studies*, 3, 99-115.
- Kahala, O. R. (1982). *A'lam al-Nisa'* (Vol. 2). Beirut: Al-Risalah.
- Khorasani, M. (2014). *A Study on Fundamental Political and Social Rights of Women in Islamic Jurisprudence and Statutory Law* University of Urmia].
- King, E., & Hill, M. A. (1997). *The Role of Women's Education in Economic Development*. Tehran: Roshanagaran and Women's Studies Institute (Persian Translation by Gholamreza Azad).
- Malekzadeh, F. (2008). The Role of Women's Employment in Development and Multiple Roles. *Family Law and Jurisprudence Semiannual*, 13(49), 67-85.
- Mousavi, S. M. (2016). The United Nations and International Instruments on Women's Rights: Review of the UN's Performance in the Field of Women's Rights. *Quarterly Journal of Safeguarding Women's Rights Studies*(3), 3-13.
- Rafiei, M., & Dabbaghi, M. (2014). Globalization and Women's Rights: Opportunities and Challenges. *Strategic Studies of Globalization*, 5(14), 189-225.
- Rahmanzadeh, R. (2002). Gender Issues in Social Security and Protection. *Women in Development and Politics*(4), 201-219.
- Zohrevand, A. (1995). *UN Mechanisms for the Protection of Human Rights* Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs].